

ز پای گاربان غرقه بلند نگر  
 مرا به بینی آنجا پامتحان دادن  
 گرم سفید بود رخت مطمئن کشتن  
 و گر سپاه، اینجا اجل عنان دادن  
 شبی گذاشت پسر در امهد گفت رواست  
 زمام کار باشخصاص کاردان دادن  
 صباح پرك يگى دار د بدو میدانی  
 پراز دحام جواش کر بوقت سان دادن  
 بفرقه مادر خود دید در لباس سفید  
 داشت قوی شد از آن عهد و آن زبان دادن  
 نشاط کرده و بشد شاد انه تادو مرگ  
 چو داد باید جان به که شادمان دادن  
 قتاد رشته دارش بگردن و جان داد  
 پرغم مادر و آن وعده نیاز دادن  
 یکی بگفت بان داغ دیده مادر زار  
 بوقت تسلیت و تعزیت نشان دادن  
 چرا تو وعده آزادی پسر دادی  
 مگر نبود خطا وعده ای چنان دادن؟

جواب داد چی نو مید گشتم اینم گفتیم

که بچه ام نخورد غم بوقت جان دادن

( م . بهار )

پرتال جامع علوم انسانی

## زن در جامعه ما

حاله که بطور روز افزون مشاهده میکنیم قسمت مهمی از اوراق  
 و صحایف مجلات و مطبوعات ابرائی منتشره در اروپا و قف بحث

و گفتگو و کشف طریق اصلاح و وضعیت جامعه نسوان است چه ضرر دارد مانیز که از نزدیک شاهد بسیاری از بدبختیهای اجتماعی هستیم این موضوع را یکبار دیگر در صفحات مجله فرهنگ که برای بحث مسائل اجتماعی (بواسطه وسعت دامنه اوراق آن) مناسبتر است طرح نموده متوربین و مخصوصا خاندانهای فاضله که خوش بختانه ولایت گیلان خالی از آنها نیست به شرکت در این زمینه و اظهار عقیده دعوت نمائیم.

این نهضت فکری و اخلاقی و اجتماعی، مدتها قبل از این یعنی در همان سنواتی که برق تمدن و سعادت اقوام و ملل راقبه دنیا چشم ایرانیان خواب آلود و دور از اطلاع را خیره کرده بود میبایستی شروع شود که امروز، یعنی در هنگامیکه طایفه نسوان در صف مقدم مخلوقات الهی جای گرفته و شانه پشانه تکالیف سنگین انسانیت را با اتفاق مردان انجام داده و در پی از موارد نیز از آنها صفت و پیشی گرفته و علو مقام خود را ثابت نموده اند؛ محتاج مطرح مقالات و بحث در مسائلی که تازه مربوط به شناسایی قدر و مرتبت نسوان است، آنهم باین ترس و لرز نشویم.

حقیقه ملتی که در عرصه مبارزه و حیات و کشمکش زلدگی از

بازوهای چپ و راست خود واحد تساوی استفاده می کنند . مارا  
 که نصف اعضای اجتماعی مان ،فلوج و معطلی است با کدام دیده  
 استخفاف و تمسخر و استهزاء نظر خواهند کرد ؟ !

جامعه های که وزارت و نمایندگی دار الشوری و تضات و جریده  
 همکاری و حکومت شعر و رتبه های عالی ادبی و سیاسی را بحکم  
 لیاقت و قابلیت ایزن ، این مظهر اسرار سعادت و نیک بختی تفویض  
 کرده اند مقالات مارا که تازه میخوانیم در اطراف تشخیص حدود  
 و حقوق و تکالیف زن و مرد منتشر سازیم باچه نظر آورده به تمسخری  
 تلقی خواهند نمود ؟ !

یکداوریم و یکدزیم . از هر کجینی ضرر که جاوگیری کنیم  
 باز صرفه و منفعت است تشخیص ضبط و خطا و وقوف به آگاهی و  
 اطلاع و اقدام ایچاره و علاج باز خودش بک درجه از علم  
 و معرفت است . -

بر گردیم به موضوع مباحث عننا : اگر پیشرفت های شایان  
 حیرتی که باضیق دائره تعلیم و تعلم و فقدان و سایط لازمه ، فقط  
 بواسطه هوش و لیاقت سرشار جماعت نسوان حساس نصیب آنها شده  
 باترقیاتی که مردان و پسران ایران دوسایه آزادی و مسافرت و تحصیل

و معاشرت و مطالعات مفیده و خلاصه تمام آن موجباتی که برای ترقی و تعالی پسری مردان مفتوح و بروی نسوان مسدود است مقابسه نمایم و دقت کنیم ، ای شبهه اعتراف خواهیم کرد که استعداد نمو و ترقی و لیاقت این جنس مظلوم برای درك رموز سعادت و فهم تمدن از پسران این مملکت بهتر و مناسبتر و بیشتر است . -

من اعتقاد قطعی دارم که اگر درب همین مدارس ناقص و مغایر را از ابتدا بروی نسوان می‌گشودند و افلا از این قوت و جوانمردی مضایقه نمی نمودند که زن و مرد هر یک بطور تساوی از تعلیم و تعلم بهره مند باشند ؛ امروز نسوان ایران میتوانند که راهنمای اخلاق و افکار و احساسات عمومی شده و جامعه را بطریقی هدایت کنند که عام و اخلاق را فقط در همان راه میتوان جستجو نمود . ولی به نقطه ای مظلومانه نسوان را پشت کوش افکنند و حقوق نوعیت را درباره این مخلوق بی گناه ادا ننمودند بلکه تا به اندازه که بی رحمی و فساد قلب کمره و بی عاطفه مردان اجازه داد در تضعیف افکار و احساسات و تحقیر عقاید و تحقیر عواطف آنان کوشیدند . گمانم دست با شکسته و ناقص الخلقه و بی شعور و ضعیفه ، که هنوز هم بتداول و متعارف است عادی

ترین القاب و عناوینی بود که بانها می بخشیدید .

بسیار خوب . گذشته ها گذشت - و حالا تازه میله داریم بفهمیم  
واقرار کنیم که چه نظام باور نکردنی را درباره نسوان مرتکب  
شده و حق حیات و زندگانی را با چه بی رحمی از آنها سلب کرده بودیم .



تایر تو عام و عرفان و دانش و هنر پر جامعه نسوان تقابدا امید ترقی  
و سعادت از این ملت رو سپاه داشتنی بوج و باطل است و هرگز بجائی  
نخواهند رسید . تازن با نیروی علم و آگاهی و اطلاع کمک نکند  
شانه های ضعیف و فرسوده و ناتوان مرد هرگز نمی تواند بار سنگینی  
و وظیفه و تکالیف را بر منزل سعادت برساند . -

تازن نفس خود را از راه عام و تربیت باصاف برساند و اطلاق  
عالیه نیاراید این فساد و بدبختی و ننگیت و نلاکتی که دامنگیر اطلاق  
اجتماعی ما است هرگز دست از گریبان ما نخواهد آسید . -

مدارس امروزه با آن برو کرام می ناهن و فاسد و این بودجه  
های سنگین و منقر برای آسختن شام و نضیات و پروردانیدن اطلاق  
و تربیت روح و انتظام عقیده مناسب است . این وسعت فقط برای  
تربیت طوطی واری و نضیف نوه اسندلاری و دهانها و صدمه کار

میکنند . مهذا ایک همت قطعی باید نواقص زبوره را فوراً مرتفع  
و بهمان نسبت تشکیلات مدارس نسوان را وسعت داد . -

خیل خیل و فوج فوج و گروه گروه در همین کان معصوم را به مدرسه فرستاد  
لاین جهل و عماء و بدبختی مدعش که حیات اجتماعی نسوان و بنیان  
سعادت ما را تهدید می کند هر طرف ساخت . -

در مرحله دوم تشکیلات منظم و منسجمی است که باید از طرف  
نسوان قاضا ( گام و پیش در مرکز ایلات و ولایات یافت میشود )  
شروع شده و جماع اخلاقی و ادبی و اجتماعی با مرام و نظم منتهی های  
مفید و سودمند و عملی تاسیس گردد . برای انجام هر دو آرزو  
مساعدت و همراهی بلکه فدا کاری مردان حساس و چیز فهم شرط

عنده موفقیت و پیشرفت است که علم استانی و مطالعات فرنگی

در مرحله ثالث تبدیل و اطلاع <sup>جامع علم زنان</sup> مقررات ظالمانه است که عقل و  
شرع و وجدان هرگز آنها رضایت نداده و مهذا بدبختانه در مناسبات  
مردان يك خانواده باران همان قابل بکار میرود و جزء عادات و  
فطریات اسلامی مردان شمرده میشود . این قواعد و عادات زشت  
و لاهنجار باید یکی متروک گردد و جای آن يك روابط بین زن  
و مرد ایجاد شود که بشریت و قوانین مقدسه دینی و انصاف و عدالت

نزدیکتر است . -

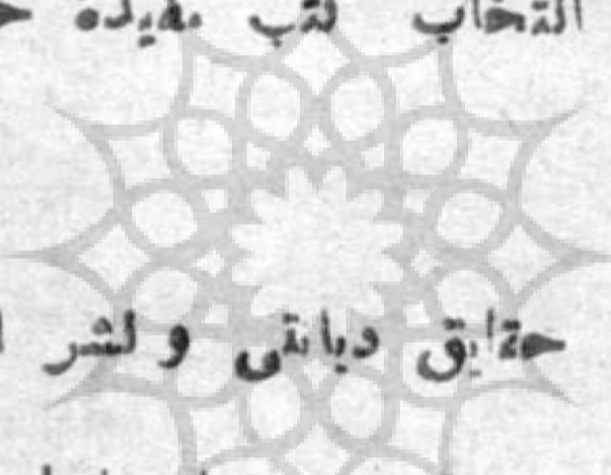
چهارمین قدمی که باید برای اجرای این منظور برداشته شود تاسیس جراید و مجلاتی است که فقط از نشانیات و سائلی که مربوط به ترقی و مدارج و شخص و وظایف و تکالیف عمومی آنها است بحث کرده و عقاید جامعه نسوان را پیکر بکر مربوط و انگار آنها را به ترقیات کنونی آشنا سازد . -

واضح است که این مطبوعات باید به مت مخصوص خاندهای فاضله تاسیس و جز به حیات نسوان و مطالب ادبی و اخلاقی و اجتماعی که درج آنها برای اهتزاز مناسب است از درج شخصیت و طالب متفرقه که فواید بسیاری ندارد خود داری نمایند . -

این اقدام بدیهی است که در هر مرحله اول مستلزم اشکالاتی است از قبیل توقیف و تعطیل جریده یا مجله و عدم مساعدت مشترکین و سایر عواقب و محضوراتی که در هر گذر نشریات و مطبوعات مفید گنبدن کرده است . مهذا در برابر عزم و همت و استقامت ، مشکلات مزبور قابل اندیشه نیست . -

پنجمین اقدامی که باید بعمل آید تألیف و ترجمه کتب مفیده که از تاریخ ارتقاء نسوان و ذکر سرگذشت مشاهیر آنها و کیفیت

خودمآیی که نسبت به عالم اجتماع نموده و فداکارانه‌ای که در باره وطن و مملکت کرده اند و خلاصه بطا لیبیکه مربوط به امارات مزبور باشد بحث کند ( با احتراز و پرهیز کامل از ترجمه یا تصنیف رمان هائی که جز پراکندگی خیال و آشفتگی فکر اثری نداشته و احساسات آنان را بموضوعاتی جناب و مشغول کند که خطه فساد اخلاق از او اید ادبی آن بیشتر است ) . این اقدام باید از طرف مردان دانشمند و مطلع و زنان فاضله تواما بعمل آید زیرا مقامها و اقتدار علمی و ادبی نسوان برای انتخاب کتب مفیده خارجه و ترجمه آنها به تنهائی کافی نیست . -



هشتمین قدم بزرگ بیان حقایق دنیائی و بشر احکام مقدس شریعتی است در باره نسوان . هر چه هست اینجا است . هر جنجال و داد و بیداد و تکبر و تفسیق ملائمه‌های بی فضیلت و بی سواد همه در این قسمت تمرکز یافته و بد بهی است که ما در این اقدام مهم توسل به فضایل و مملوایات روحانیون محترمی هستیم که ساحت منزله آنها از آلابش جهل و خرافات پاک است . ما و همه کس در اینباب مرهون همت و بزرگواری ذوات عالیه هستیم که بارشادت مخصوص خود به جهات و نادانی یک مشت ملائمه‌های دور از حقیقت استهزایه نموده و احکامی که در حدود و حقوق و تکالیف زن و مرد وارد



عده از روی صراحت بیان فریاد . زیرا بر هر کس که ادک طلاعی دارد پوشیده نیست که . معاملات مردان نسبت به نسوان تا چه اندازه برخلاف موازین شرعیه و تا چه حد آلوده به بغص و عداوت و عهوت است .

ما بحث و کشف این حقیقت را همانطوریکه نوشتیم بمهده علمای فاضل برگذار مینماییم ولی برای تأیید اظهارات خود و ثبوت جه کاری مردان و مظلومیت نسوان و رسم نمونه همین کافی است گفته شود که اگر برای اطفای عهوت و لذت مردان اجازه نمود زوجت سند است یا آن نصفت و عدالتی هم که تعقیب حکم مزبور وارد شده در میان ارباب زوجات عدیده ، منظور و مراعات نیگردد ؟ !

يك طرفی که بر کفای عهوت آن مردان مقرون است . بجزا  
 اما چرا طرف دیگر کفای عهوت را اکیداً به عدالت مطلق  
 توصیه مینماید متروک مانده است . -

آخرین طرقي نذر که عاجلنا بنظر من شامل موثر اصلاح و ارتقاء جامعه نسوان است نداشت و قاتر هی مخصوص زنان است که بتوسط نسوان فضا و حس باید تأسیس و ترویج گردد . زیرا طبیعی است که در جامعه تمدن ما هنوز عادت و اخلاق ناپسندی بوجود است که تصویر آن بتوسط قاتر بیشتر مایه عبرت گردیده و

سایر خواهران را زودتر به ترك آن دعوت مینماید . و فایده ثانی آن اخلاط و آبرزش و معاشرت‌هایی است كه اطفا باید بین نسوان بعمل آید و بواسطه نقاطی افكار و تبادل عقاید و آراء خود ، بهتر میتوانند وحدت نظر حاصل کرده و زودتر به لیل مقصود موقف گردند . -  
خوش وقتگاه آرزوی اخیر ما مساعادت عناصر منور و روشن فکر یکی دو بر در رعت عملی شد ، و امید وادیم كه بارفع نواص و تشویقاتی كه مستلزم ترغیب و تهیج عاملین این اقدام است سر مشق جدید و مهمی به خواهران سایر ولایات داده شود . -

۸ اردی بهشت ۱۳۰۴

م . جو دی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی  
شنیدنی‌ها

-۴-

اقدس از مطبوعات خواجه

برای طریل عمر - آمریکا در ضمن عجایب روز افزونش قضیه عجیب تری را از خود بروز میدهد . اخیراً ، و سه ای در آن جا بنام ( میلپانك ) ظهور کرده و بطوریکه درجراید اعلان کرده اند ، منظور آنها درازی عمر و مساعی آنان برای مبارزه بر علیه پیری